

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صَلَّى الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مقدمه

در بحث خارج فقه، حدود دو سال، بحث مکاسب محرمة را - بر حسب متن مکاسب مرحوم شیخ(قده) - عنوان کردیم، و حمد الله مباحث خوبی هم مطرح شد. در ضمن آن مباحث، بحث «تلقیح صنایع» و «حق تألیف» و بعضی مسائل مستحدثه را نیز عنوان کردیم. آن بحث را تا این مسأله که «آیا بیع العنب ممن یعلم انه یجعله خمرأ جایز است یا نه؟» ادامه دادیم.

در سال جاری بنا شد که بحث را از اول «بیع» تحریر الوسيله آغاز کنیم. علت آن هم این است که؛ حدود چهار پنج ماه قبل از ارتحال والد راحل(رضوان الله علیه)، در بستر بیماری به ایشان عرض کردم که ما امیدواریم که حال شما مساعد شود و این شرح تحریر الوسيله را (که تا به حال سی جلد آن به رشته تحریر در آمده است و الحمد لله یکی از کتب معتبر است که امروزه در بعضی از دروس خارج، مراجع بزرگوار- چنانکه خودشان به بنده فرموده‌اند- به این کتاب مراجعه می‌کنند، مخصوصاً بعضی از مباحث آن، مثل بحث کتاب الحج که حدود نه سال برای آن زحمت کشیدند و پنج جلد کتاب الحج را ارایه دادند) ادامه داده و کتاب به سر انجام برسد.

گاهی اوقات در سالهای قبل هم که چنین قضیه‌ای پیش می‌آمد، ایشان چون نسبت به این کتاب خیلی علاقمند هستند بلافاصله می‌فرمودند حتماً یکی از دعا‌هایتان این باشد که من بتوانم این کتاب را تمام کنم. اما این بار آخر که به ایشان عرض کردم، خیلی قاطعانه به من فرمودند: «من دیگر موفق به اینکه يك سطر از کتاب را بنویسم نمی‌شوم و توصیه می‌کنم که شما این کتاب را تکمیل کنید و من دلم می‌خواهد يك شرح کاملی بر این کتاب؛ که کتاب امام(رضوان الله علیه) است، نوشته شده باشد».

البته من به ایشان عرض کردم که فاصله ما و شما از زمین تا آسمان است و قابل مقایسه نیست، نوشته شما کجا، عمق مطالب شما کجا و من شاید به خودم اجازه ندهم. فرمودند من توصیه می‌کنم که شما حتماً این کار را انجام دهید. بنابر این، تصمیم بر این شد که برای عمل به وصیت ایشان، - ان شاء الله با خلوص قصد و نیت- از خداوند استمداد می‌کنیم که بتوانیم تتمه این شرح را بنویسیم. ایشان بر بیع و خيارات تحریر چیزی ننوشت‌اند و مباحث بسیار مهمی هم وجود دارد. بنابر این، ما از اول بیع تحریر شروع می‌کنیم و این مباحث را دنبال خواهیم کرد، که اگر بیع و خيارات نوشته شود دیگر تقریباً چند کتاب کوچک از تحریر باقی می‌ماند که دیگر شرح کتاب کامل می‌شود.

اهمیت کتب فقهی امام(ره)

خوشبختانه؛ امام(رضوان الله علیه) علاوه بر این متن متقن، محکم و جامع در تحریر الوسيله، قبل از اینکه به نجف مشرف

شوند در همین حوزه مقدسه، چندین سال «کتاب البیع» را به حسب ترتیب مکاسب مرحوم شیخ(ره) مورد بحث قرار داده اند و آن را به رشته تحریر در آورده اند، و اگر کسی بخواهد بر آراء فقهی و اصولی امام(ره) کاملاً احاطه پیدا کند، به نظر من باید يك دوره این کتاب را مطالعه کند.

این کتاب بیع و خیاراتی که امام(ره) نوشته‌اند واقعاً مشحون از دقایق است. در هر صفحه‌ای و هر سطر از آن، قوت علمی و توانایی بسیار بزرگی که امام(ره) در مسائل فقهی و اصولی داشتند ظهور دارد و واقعاً امروز کسی نیست که بتواند این حقیقت را کتمان کند. دقیقترین، عمیقترین و جامع‌ترین کتابی که در معاملات، در بین فقهاء شیعه از ابتداء تا به حال وجود دارد؛ همین کتاب است. بحث احساسی یا حاکی از حبّ شدید نیست، آنچه که عرض می‌کنم از وقتی است که بنده مکاسب را می‌خواندم تا الان با این کتاب کار کرده‌ام، و با سایر کتب فقهی که در بیع و معاملات نوشته شده، مقایسه و مقارنه کردم و انصاف این است که مشحون از مطالب و درر علمی است. مخصوصاً به بعضی از آیات شریفه و قواعد فقهی که می‌رسند نکات بسیار جدید و مهمی را مطرح می‌کنند.

حتی در این کتاب به برخی از قواعد اصولی هم اشاره فرموده‌اند. ما همان روشی که در مکاسب محرّمه داشتیم؛ که مقید بودیم در بحث خودمان از مکاسب محرّمه امام(ره) هم نکاتی را ذکر کنیم، در این بحث نیز همین کار را خواهیم کرد، البته ترتیبی که در تحریر وجود دارد در برخی موارد با ترتیب مکاسب فرق دارد، ولی ما بر طبق ترتیب تحریر بحث را شروع می‌کنیم و هر جا نکته‌ای از کتاب البیع امام(ره) باشد علاوه بر اینکه سایر مبانی و انظار را بحث می‌کنیم، این کلمات امام(ره) را هم متعرض می‌شویم تا ببینیم که واقعاً چه نکات دقیق و عمیقی را ارایه فرموده‌اند.

«کتاب البیع»

اینجا اولین عنوانی که هست؛ کلمه «کتاب البیع» است. قبل از اینکه مسئله اول را ذکر کنیم – که در آن می‌فرمایند «عقد البیع يحتاج الی ایجاب و قبول» – چند مطلب مهم، لازم به ذکر است. یک نکته از محقق نائینی(ره) و دیگری از محقق ایروانی(قده) است. پس از ذکر این دو نکته، باید تعریفی را برای بیع ارایه دهیم تا به مسئله اول برسیم.

اقسام مسائل فقه

مرحوم محقق نائینی(اعلی الله مقامه الشریف) – بر حسب آنچه که در تقریرات مکاسب ایشان، بنام «منية الطالب فی شرح المكاسب» که توسط مرحوم شیخ موسی کاظمی خوانساری تقریر شده است، که تقریرات «بیع» مرحوم نائینی است که یکی از کتاب‌هایی است که آقایان حتماً باید داشته باشند و بحث‌ها ناظر به آنجا هم هست – مطلبی را به فقهاء نسبت می‌دهند، که فقهاء؛ مسائل فقه را به اقسام اربعه تقسیم کرده‌اند، و می‌فرمایند «ربما یكون له دخل في بعض مقاصد الكتاب»؛ این تقسیم در مسائلی که در کتاب البیع عنوان می‌کنیم دخالت دارد. در جلد اول «منية الطالب»، صفحه 88 فرموده‌اند: فقهاء، مسائل فقه را به چهار قسم تقسیم کرده‌اند: عبادات، عقود، ایقاعات و احکام. برخی دیگر از فقهاء در مقام تقسیم چنین تعبیر کرده‌اند: عبادات، عادات، معاملات و سیاسات.

قبل از محقق نائینی(ره)، مرحوم شهید اول(قده) نیز در کتاب «القواعد و الفوائد» جلد 1، صفحه 30 چنین مطلبی را بیان کرده‌اند و مرحوم محقق(ره) در ابتدای شرایع به تبعیت از مرحوم شهید اول(ره)، این تقسیم را ذکر کرده است. همچنین شهید اول(ره) علاوه بر ذکر این تقسیم در کتاب «القواعد و الفوائد»، در کتاب «ذکری» جلد 1، صفحه 63 هم به این تقسیم اشاره کرده است. البته در توضیح این که چرا و به چه ملاکی بگوییم این قسم؛ عبادات است، این قسم؛ عقود است، این قسم؛

ایقاعات است و این قسم؛ احکام است ، اینها يك بیانی دارند ، و محقق نائینی(ره) در «منیة الطالب» ، بیان دیگری دارد.

فرمایش مرحوم شهید اول(قده) :

مرحوم شهید(ره) در کتاب «القواعد و الفوائد» بعد از اینکه علم فقه را تعریف می‌کنند «العلم بالاحکام الشرعية الفرعية عن ادلتها التفصيلية» ، می‌فرمایند «و كل ذلك - یعنی احکام شرعیه - ينحصر فی أربعة أقسام» تمام احکام شرعیه منحصر در چهار قسم است : 1- عبادات 2- عقود 3- ايقاعات 4- احکام . «و وجه الحصر؛ ان الحكم الشرعی اما ان تكون غایته الاخرة» غایت بعضی از احکام شرعی ، آخرت است ، مثلاً نماز و روزه برای آخرت است ، «او الغرض الایم منه الدنيا» یا اینکه غرض اهم و نهایی آن ، همین مسائل دنیوی است ، «و الاول العبادات» ؛ آنکه غرضش آخرت است مباحث عبادی است . «و الثاني : اما ان يحتاج الى عبارة او لا» آنکه غرض اهمش دنیاست ؛ یا محتاج به عبارت هست یا نیست ، «و الثاني الاحکام» آنی که محتاج به عبارت نیست احکام است.

مثلاً مباحث ارث، مباحث قصاص، حدود، اطعمه و اشربه، صید و ذباجة، تمام اینها تحت عنوان مباحث احکام است. - در بحث قاعده الزام که در ماه رمضان بحث می‌کردیم - يك روایتی هست از محمد بن مسلم، که محمد بن مسلم می‌گوید «سألته عن الاحکام» از امام باقر(ع) از احکام سؤال کرده است، امام(ع) در جواب فرمودند «تجوز علی اهل كل ذی دین ما يستحلونه» هر دینی آنچه را که حلال می‌داند بر خودش نافذ است.

آنگاه از این روایت در کتاب الارث استفاده کرده اند و اصلاً در بعضی از کتب فقهی بجای اینکه بگویند کتاب الارث، می‌گویند کتاب الاحکام . «و الاول - آنکه احتیاج به عبارت دارد - اما ان تكون العبارة من اثنين تحقيقاً او تقديرأً أو لا» یا محتاج به دو عبارت است و یا نیازی به دو عبارت ندارد و با يك عبارت محقق می‌شود «و الاول العقود» اولی عقود است ، که خود مرحوم شهید(ره) در کتاب «القواعد و الفوائد» فرموده در کتب فقهی 15 عقد داریم ، که اول این عقود «کتاب البیع» است ، «و الثاني الايقاعات» مثل ظهار، ایلاء و عتق. اما در «کتاب زکری» جلد 1 ، صفحه 63 فرموده «و تقریب الحصر؛ ان الحكم اما ان يشترط فيه القرية أو لا» ؛ در امثال حکم شرعی؛ یا قصد قربت معتبر است یا معتبر نیست ، «و الاول: العبادات و الثاني؛ اما ذو صیغة أو لا» ؛ اولی عبادات است و اما دومی - که در آن قصد قربت معتبر نیست - یا يك صیغه شرعی دارد یا يك صیغه شرعی ندارد ، «الثاني السياسات» ؛ دومی ، عنوان سیاسات را دارد ، «سیاسات» عبارة اخرى «احکام» است ، یعنی آنکه در آن قصد قربت و لفظ دخالتی ندارد. «و الاول - آنکه صیغه لازم دارد - اما وحدانية - یا يك صیغه لازم دارد - ام لا ، الاول الايقاعات و الثاني العقود» . پس از شهید(ره) ؛ دیگران ، مثل مرحوم محقق(ره) در شرایع همینطور تبعیت کردند.

فرمایش محقق نائینی(ره):

اما محقق نائینی(ره) در کتاب «منیة الطالب» ، اصل تقسیم را پذیرفته ، اما در توضیح این تقسیم فرموده است که ؛ عبادات سه اطلاق دارد و معاملات نیز سه اطلاق دارد.

اطلاق اول در عبادات ؛ به چیزی عبادت می‌گویند که «معتبر فيه قصد القرية» ؛ آنکه قصد قربت - بنحو جزئیت یا بنحو شرطیت - در آن معتبر است که از این به «عبادت بمعنی الاخص» تعبیر فرموده اند.

اطلاق دوم ؛ يك عباداتی داریم که «يمكن فيه قصد القرية» ؛ قصد قربت در آن امکان دارد ، مثلاً در تطهیر يك شیء نجس ، قصد قربت امکان دارد ، لذا از آن به «عبادت بمعنی الاعم» تعبیر می‌کنند.

اطلاق سوم - که عمده این معنای سوم است که شاید در جاهای دیگر هم وجود ندارد و ایشان بیان فرموده اند - اینکه

«الوظيفة التي شرعت على اشخاص خاصة» يك وظیفه‌ای که برای اشخاص معین تشریع شده است، مانند جهاد ، امر به معروف و نهی از منکر ، باب قضا و شهادات و باب ولایات.

سپس فرموده اند؛ این معنای سوم، اخص از معنای دوم و اعم از معنای اول است. بیانش چیست؟ – البته این بیان را خود مرحوم نائینی(ره) ذکر نکرده است – ؛ معنای دوم چیست؟ «ما يمكن فيه قصد القرية» ، این معنا اعم از این است که برای اشخاص معینی باشد یا برای جمیع الاشخاص ، اما در قسم سوم می‌گوییم «الوظيفة التي شرعت لاشخاص خاصة» . پس از این جهت ، از معنای دوم اخص است و از معنای اول که «ما يعتبر فيه القصد القرية» اعم است ؛ یعنی در این معنای سوم قصد قربت دخالت ندارد ، شما باید امر به معروف کنید و لازم نیست که بگوید قربة الى الله امر به معروف می‌کنم ، قاضی جامع الشرائط باید قضا را انجام دهد و لازم نیست که بگوید من قربة الى الله قضاوت می‌کنم ، یا در ولایتی که پدر یا جد بر فرزند دارد، قصد تقرب لازم نیست ، یا در اصل ولایتی که فقیه دارد ، قصد تقرب لازم نیست.

پس از این سه قسم عبادات ، فرمودند سه قسم معاملات داریم ؛ یکی «معاملات بمعنای عام» ؛ که در آن قصد قربت معتبر نیست ، اعم از اینکه متوقف بر انشاء باشد یا متوقف بر انشاء نباشد . ما يك وقت معاملات را طوری معنا می‌کنیم که به غیر از عبادات ، به هرچه که در فقه است می‌گوییم «معامله» و فقط عبادات را استثناء می‌کنیم ، صلات ، صوم ، حج و امثال اینها را استثناء می‌کنیم و بر بقیه «معامله» اطلاق می‌کنیم ، «معامله بمعنای اعم» . معنای دوم معامله ؛ یعنی آنکه متوقف بر انشاء طرفینی است ، که فقط شامل عقود می‌شود . معنای سوم معامله ؛ یعنی «ما يتوقف على الانشاء» □

حال این «ما يتوقف على الانشاء» ؛ طرفینی باشد یا از یک طرف باشد. عمده ؛ این حرف است که می‌فرماید : عقود سه قسم است ؛ «عقود اذنی» و «عقود عهده» ، آنگاه «عقود عهده» هم دو نوع است ؛ «عقود عهده تعلیقیه» و «عقود عهده تنجیزیه» . پس از آن می‌فرمایند «بیع» از «عقود عهده تنجیزیه» است . مقصود از «عقود اذنی» و «عقود عهده» چیست؟